



استفاده مجدد تطبیقی از کلیساها در تاریخی (تحلیلی بر هشت نمونه کلیسا از استفاده مجدد شده)

شینا ص بزنجی^۱
سجاد مؤذن^{۲*}

۱. دکتری معماری منظر، گروه معماری، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۲. استادیار گروه مرمت، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

چکیده

تعییر نگاه موزه‌ای به بنای تاریخی و استفاده مجدد از آن‌ها به طریقی که دارای نقش در حیاط شهرها باشد، به حفظ و ماندگاری آن‌ها کمک می‌کند. مطالعه و تحلیل تجارب جهانی در بازتعریف کاربری برای بنای تاریخی و تجهیز آن‌ها برای کاربری جدید، حاوی نکات فراوان است. این پژوهش در بی‌آن است که نحوه مواجهه با کالبد بنای قدمی و فعالیت جدید بنایی با کاربری کلیسا را بررسی و با مطالعه و تحلیل نمونه‌های موردنی، راهکارها و اقدامات به کار گرفته شده را استخراج کند. بدین ترتیب با بررسی تجارب جهانی در زمینه مداخله در بنای تاریخی مذهبی، می‌توان رویه‌های نوین را برای نحوه مواجهه با کالبدی‌های ارزشمند تاریخی به دست آورد و افق‌های جدید در برخورد با این بنایها را بنماید. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری داده‌های مربوط به هشت نمونه موردنی از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و اسناد معتبر علمی انجام شده، سپس تحلیل و مقایسه آن‌ها با استدلال منطقی انجام شده است. نمونه‌های موردنی که در کشورهای مختلف واقع شده‌اند، بر اساس ویژگی‌های کالبدی و کارکردی، الحالات جدید و مصالح به کار رفته بررسی شده‌اند. در انتخاب نمونه‌ها تلاش شده تا طیف متنوعی از نظر مساحت و میزان مداخله را فراهم کنند. از یافته‌های پژوهش می‌توان به این موارد اشاره کرد: با توجه به ارزش‌های چندگانه اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کلیساها، اتخاذ رویکرد مشارکتی با حضور سرمایه‌گذاران، ذی‌نفعان، مردم محلی و مختصان، در موفقیت این پروژه‌ها اثرگذار است. در بحث الحالات جدید، ضمن رعایت اصل تمایز مصالح قدیم و جدید، به کارگیری خلاقانه مصالح و عناصر جدید می‌تواند به حفظ اصالت و یکپارچگی اثر کمک کند. توجه به نیازهای امروز و بهروزرسانی کالبدی و کارکردی بنایها ضمن توجه به قابلیت‌ها و ارزش‌های پنهان و آشکار آن‌ها، ادامه حیاتشان را تضمین می‌کند.

اطلاعات مقاله

- تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۱/۰۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۳۰
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۱۵

وازگان کلیدی
بنای تاریخی، استفاده مجدد تطبیقی،
کلیسا، الحالات جدید، مصالح



بیان مسئله

با گذشت زمان، حفاظت از میراث معماری به عنوان یک ضرورت فرهنگی شناخته شده است که توسط کنوانسیون های بین المللی و تحقیقات عمیق حمایت می شود. انطباق چنین میراثی برای مصارف معاصر یکی از موضوعات مهم در توسعه پایدار محیط ساخته شده است. تداوم استفاده مناسب از بناهای تاریخی یکی از بهترین راهها برای تضمین بقای آنها است و استفاده مجدد سازگار با بناهای میراثی به جایگاه مهمی در حفاظت پایدار از گونه های مختلف بناهای تاریخی می انجامد (شاهتموری و حنچی، ۱۴۰۰). در این زمینه، مفهوم «استفاده مجدد تطبیقی»^۱ رایج شده و به طور کلی به عنوان عمل یافتن کاربری جدید برای یک بنا تعریف می شود که عموماً به تغییراتی در ساختار موجود بنا نیاز دارد تا بتواند با یک کاربری خاص تطبیق یابد. این تغییر از عملکرد بنا آغاز می شود و ممکن است تغییرات دیگری مانند مسیر گردش، جهت گیری، رابطه بین فضاهای را به همراه داشته باشد؛ ممکن است لازم باشد الحاقاتی ساخته و بخش هایی تخریب شوند. بدین ترتیب در طول فرایند استفاده مجدد تطبیقی، بخش های مختلف بنا، از جنبه های داخلی، خارجی، سیستم ساختاری و عملکرد فعلی، ممکن است برای انطباق با عملکردهای جدید تغییر کنند. در این زمینه، علاوه بر حفظ ارزش های مادی بنها یا سایتها، یکی از جنبه های مهم استفاده مجدد، حفظ اهمیت غیرمادی یا معنوی و ارزش های ناملموس مجموعه است. این امر به ویژه در مورد بنها یا مکان های نمادین با روح مکان مهم، مانند بناهایی که دارای معنای اجتماعی، سیاسی، یادبود یا مذهبی هستند، اهمیت دارد. استفاده مجدد تطبیقی به جریان اصلی بحث معماري وارد و در دوران پسا صنعتی شدن، به ویژه در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ رایج شد (Cantell, 2005). با این حال، استفاده مجدد تطبیقی به خودی خود یک پدیده نوظهور نیست. مفهوم استفاده مجدد از بناهای قدیمی برای مصارف مختلف از نظر فنی به قرن ها قبل بازمی گردد. برای قرن های تمدنی، ساختمان های قدیمی حفظ و سازگار شده بودند تا در جوامع خود استفاده شوند و این استفاده مدام از بناهای قدیمی به شناخت ارزش ها و کیفیت های منحصر به فرد آنها به عنوان میراث کمک کرده است. دو رویکرد اصلی بین متخصصان حفاظت از میراث در رابطه با استفاده مجدد تطبیقی وجود دارد که تا حدودی متناقض هستند (Ahn, 2007, 3).

• تغییر کاربری کلیساها

تغییر کاربری بخشی از حیات بنها است و معماری مذهبی و مقدس نیز از این قاعده مستثنی نیست. این بنها باید تکامل یابند و برای پاسخگویی به ضرورت های بافت شهری و زمان خود تطبیق داده شوند. در سال های اخیر، چندین ساختمان مقدس، عمدتاً کلیساها، تغییر کاربری داده اند. این روند، که شاید در شمال اروپا آشکارتر است، به طور مدام در حال افزایش است. نکته حائز اهمیت آن است که در پروژه حفاظت، تعادل مناسبی بین اصالت و یکپارچگی، میراث و زندگی واقعی و تکامل اجتماعی باید وجود داشته باشد. معماری مقدس و مذهبی مجموعه پیچیده ای از ارزش ها را شامل می شود و اگر به اندازه کافی موردن توجه واقع نشود، تأثیرات راهکار استفاده مجدد تطبیقی می تواند مخرب باشد و ارزش های مرتبه با اثر را از بین ببرد. به همین دلیل در حالت ایده آل هر گونه مداخله در چنین بناهایی، باید کمترین تأثیر را بر ارزش های میراثی بنا و محیط آن داشته باشد و اگر مداخله نتواند از ارزش های میراثی محافظت کند، ممکن است خود ویرانگر باشد (Fiorani et al., 2017).

برای طرح استفاده مجدد، طراح در وهله اول باید با یک سری چالش ها مقابله کند و یک سری تصمیمات را در مورد چگونگی ادامه کار و انطباق موقفيت آمیز کلیساها برای حفظ یکپارچگی و ارزش های تاریخی خود اتخاذ کند. ارزیابی امکان سنجی چنین رویکردی را می توان با رانه پاسخ هایی برای این پرسش ها انجام داد: - چه ارزش (هایی) در معماری و سازه های مقدس و مذهبی وجود دارد و چگونه ارزش گذاری می شوند؟

- چگونه می توان بدون تغییر مقدادر شناسایی شده، کارکردهای جدید را در بافت موجود آنها وارد کرد؟
- استفاده مجدد تطبیقی چه ارزش هایی را برای ساختمان ایجاد می کند؟

استفاده مجدد تطبیقی از بناهای مقدس را نمی توان صرف فرایند تغییر یک بنای بلا استفاده یا بی اثر به یک بنای جدید در نظر گرفت که می تواند برای اهداف متفاوتی استفاده شود. برخلاف موقفيت تبدیل مجتمع های صنعتی فرسوده به مجتمع های جدید

برخی از متخصصان و محققان، استفاده مجدد تطبیقی را یک استراتژی حفاظت تاریخی می دانند. آنها بر این باورند که استفاده مجدد تطبیقی با تغییر عملکرد بنا به کارکردهای جدید در برآوردن نیازهای معاصر، به افزایش عمر بناهای تاریخی کمک می کند (Pimonsathean, 2002). برای مثال، ویله لو دوک بیان می کند که «بهترین راه برای حفظ یک بنا، یافتن کاربری برای آن است» (Viollet-Le-Duc, 1990). - گروه دوم متخصصان رویکرد حداقلی را در مداخله در بناهای

می‌گیرد که از نظر پاسخ‌دهندگان، استفاده مجدد به عنوان کاربری فرهنگی قابل قبول است، اما تجاری و مسکونی غیرقابل قبول بودند. از نظر آن‌ها کاربری‌هایی که دارای شباهت مفهومی با یک کلیسا هستند، بهویژه در رابطه با کارکردهای آموزشی کلیسا، قابل قبول‌تر هستند. در مقابل، آن‌ها معتقد بودند که کلیساها نباید به منظور ایجاد منافع اقتصادی (مانند رستوران) به بنای‌های تجاری تبدیل شوند. با این حال، هنگامی که افراد در معرض تصاویر کلیساها اصلاح‌شده قرار گرفتند، درک آنها تغییر کرد. در این حالت بنای‌های اجتماعی فرهنگی امتیاز کمتر و بنای‌های تجاری و مسکونی امتیاز بیشتری نسبت به نتایج پذیرش اولیه کسب کردند (Ahn, 2007).

در رساله دیگری به بررسی استفاده مجدد تطبیقی از کلیساها در آلمان و ایالات متحده پرداخته می‌شود. در این تحقیق مذهب و قوانین حفاظت برای هر دو کشور بررسی شده و در طی تحقیق به این نتیجه می‌رسد که استفاده مجدد تطبیقی حساس که به بنا و کاربری‌های قدیمی و جدید احترام می‌گذارد، زمانی به بهترین شکل به دست می‌آید که همه ارزش‌ها در نظر گرفته شوند و ذی‌نفعان در فرایند برنامه‌ریزی مشارکت داشته باشند. این پژوهش رویکرد ارزش محور را به عنوان یک رویکرد توصیه‌شده برای استفاده مجدد از کلیساها مهم می‌داند (Lueg, 2011).

تحقیقات دیگر اغلب با بررسی نمونه موردی‌هایی به موضوعات مختلف مرتبط با پدیده استفاده مجدد از کلیساها یا کاربری‌های دیگر می‌پردازنند. به عنوان مثال در تحقیقی با بررسی دو نمونه استفاده مجدد از بنای‌های تاریخی (یک نمونه کلیسا و یک نمونه بازار تاریخی) به بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت یا شکست پروژه می‌پردازد. تحقیق نشان می‌دهد که رویکرد طراحی یکسان در یک مکان می‌تواند نتایج متفاوتی در نظام اجتماعی-اقتصادی داشته باشد. کیفیت مداخله، به کیفیت پروژه معماری و تطابق کاربری جدید، در رابطه با خود بنا و بافت شهری که در آن قرار دارد، بستگی دارد (De Medici et al., 2020). پژوهش دیگری سعی در شناسایی عواملی دارد که به انطباق موفقیت‌آمیز کلیساها سبق و مزایا و معایب اتخاذ راه حل‌های طراحی پیشروع می‌پردازد. این پژوهش همچنین با پرسش از مردم، کاربری‌های مطلوب‌تر را برای کلیساها بررسی کرده است. این مقاله با بررسی پنج کلیسا به این نتیجه می‌رسد که کمترین محبوبیت از آن کلیساهایی است که تک‌کارکردی هستند و ورودی جدید درجه یک ندارند. این تحقیق بیان می‌کند تغییرات جالب توجه می‌تواند کلیدی برای استفاده بیشتر از یک ساختار خاص باشد. این پژوهش پس از تجزیه و تحلیل کلیساهای منتخب، دو روش اصلی برای انطباق بنای‌های مقدس تاریخی مشخص می‌کند:

- نوآوری خارجی: عناصر متضاد و برجسته کردن ورودی

- کوچکترین دخالت ممکن در بیرون ساختمان

این تحقیق معتقد است تغییر کارکرد کلیساها سبق و متمایز ساختن این تغییر با افزودن یک عنصر خارجی جدید، توجه مردم را به خود جلب می‌کند و ورود آن‌ها را تشویق می‌کند.

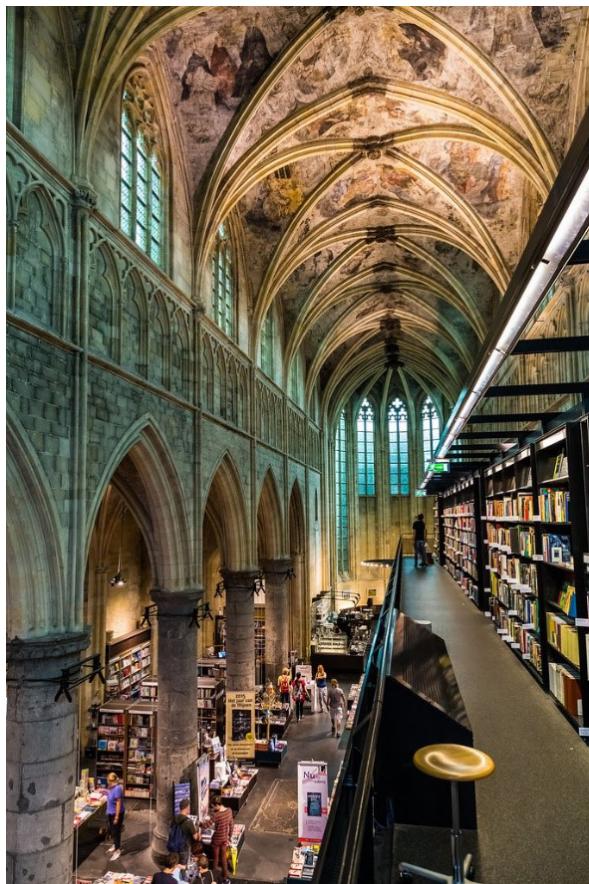
با طراحی مدرن و جذاب، در بنای‌های مقدس، استفاده مجدد تطبیقی بسیار چالش‌برانگیز و پیچیده است. از آنجاکه ارزش‌های متعددی در ارتباط با معماری مقدس وجود دارد، هنگامی که صحبت از استفاده مجدد از چنین بنای‌هایی می‌شود، نظرات مختلفی در مورد استفاده صحیح از آن‌ها مطرح می‌شود. برای متخصصان حفاظت، مهمترین چالش استفاده مجدد تطبیقی در معماری مقدس، حفظ ویژگی‌ها و ارزش‌های این بنایها و در عین حال برآورده ساختن تقاضای ذی‌نفعان است؛ در حالی که توسعه‌دهندگان و سرمایه‌گذاران بیشتر به ارزش اقتصادی کلیساها و درآمد بالقوه‌ای که ممکن است تولید کنند، علاقه‌مند هستند. با افزایش هزینه‌های نگهداری کلیساها، سؤالاتی مطرح می‌شود که آیا باید آنها را با صرف هزینه بیشتر حفظ کرد یا به عنوان منابع جدید برای گنجاندن در برنامه‌های توسعه شهری در نظر گرفت. بهویژه که کلیساها و سایر معماری‌های مقدس معمولاً در مرکز شهرها قرار دارند و بخش‌های تاریخی شهر، بخش‌های مهم و قابل توجه و همچنین قابل دسترس از تمام نقاط شهر هستند؛ جایی که ارزش اقتصادی زمین اغلب بالا است و به همین دلیل تأثیر اجتماعی و اقتصادی نیز دارند. اما با توجه به ویژگی‌های معماری مقدس، بسیاری از متخصصان حفاظت میراث معتقدند که استفاده مجدد تطبیقی تغییرات غیرقابل برگشت زیادی را در ویژگی‌های اصلی این بنای‌ها ایجاد می‌کند که به شدت بر اصالح و یکپارچگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد؛ چراکه فراردادن کاربری جدید در یک کلیسا قدمی، جایگزین کاربری اصلی آن، برخی از اجزای معماری کلیساها را ب استفاده می‌کند و در نتیجه یکپارچگی آنها را کاهش می‌دهد (Zargaran, 2017; Mine, 2013). بدین ترتیب این موضوع مسئله‌ای قابل تأمل و دارای پیچیدگی است.

پیشینهٔ پژوهش

در رابطه با تغییر کاربری کلیساها مطالعات گوناگونی شکل گرفته است. موضوع پنجمین کارگاه انجمن اروپایی آموزش معماری^۱ در سال ۲۰۱۷، حفاظت-انطباق، یکی از حیاتی‌ترین پرسش‌ها در پرداختن به بنای‌های میراثی و مکان‌های باهمیت فرهنگی بود. این کارگاه به سوالات دشواری پرداخت:

- چگونه می‌توان بازسازی مجدد چنین بنا یا سایتی را با انتقال ارزش‌های مادی و غیرمادی آن ترکیب کرد؟
- محدودیت‌ها و فرصت‌ها در استفاده مجدد تطبیقی از این نوع میراث «حساس» چیست؟
- چگونه می‌توان روح مکان را در این بنای‌ها حفظ کرد؟

مقالات این کارگاه در کتابی به چاپ رسیده است که از زوایای مختلفی به مسئله می‌پردازند (Fiorani et al., 2017). برخی تزها در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری نیز به این مقوله پرداخته‌اند. به عنوان نمونه یک پروژه دکتری^۲ در دانشگاه تگزاس به بررسی استفاده مجدد تطبیقی از کلیساها تاریخی متروک می‌پردازد. این پژوهش با بررسی ۱۶ کلیسا و پرسش از جامعه آماری، نتیجه



تصویر ۱. کلیسای دومینیکن. مأخذ: www.flickr.com

شد و به مدت ۵۰۰ سال در خدمت جامعه محلی هلندی بود. در سال ۱۷۹۶ عملکرد کلیسای آن با تهاجم ناپلئون به پایان رسید و کاربردهای بعدی آن محل نگهداری دوچرخه، فضای نمایشگاهی و سالن مهمانی است. در سال ۲۰۰۶ کلیسا سرنوشت جدیدی پیدا کرد و یک کتابفروشی در داخل کلیسا ایجاد شد (Ciranna, 2017; Zargaran, 2017) این کتابفروشی یکی از زیباترین کتابفروشی‌های جهان در یک کلیسا قدمی کاملاً سالم مملو از نقاشی‌های دیواری و سقفی است (تصویر ۱). به عقیده بسیاری، «قدرت واقعی خواندن»^{۱۰} در کلیسا قدمی، خود را نشان می‌دهد. عناصر خارجی مانند شیشه‌های رنگی، نقاشی‌های دیواری، طاق‌ها و کیفیت نور فضا حفظ شده‌اند. برای ایجاد دید از بالا در کلیسا، یک «برج کتاب» فولادی با دو طبقه (۴۰۰ مترمربع) ساخته شد. همچنین ورودی‌ای بسیار مدرن از آهن زنگزده (کورتن استیل)^{۱۱} به بنا الحاق شده، که به دلیل جنس مصالح استفاده شده قدمی به نظر می‌رسد (Mirabella Roberti, 2017). موفقیت پژوهش به لطف مشارکت موفق سازمان‌های دولتی و خصوصی (شهرداری^{۱۲}، مراقبت از بنا تاریخی^{۱۳}، توسعه‌دهنده پژوهه^{۱۴} و کاربر جدید^{۱۵}) به دست آمده است. این پژوهش برنده جایزه معماری Lensvelt Architectuur در سال ۲۰۰۷ در هلند شد (Vellecco & Martone, 2021).

درباره میزان و نحوه مداخلات در این اثر نظرات متفاوتی وجود

از این رو، این پدیده نوعی جاذبه گردشگری ایجاد می‌کند که می‌تواند مزایای بلندمدتی را برای بنا ایجاد کند. تجزیه و تحلیل این تحقیق نشان می‌دهد که عوامل افزایش علاقه به کلیساها تاریخی، چندکارکردی شدن آنها و نوآوری یک فرم جدید و متمایز در خارج از بنا است. معماری و ساختوساز جسورانه اما به درستی انتخاب شده می‌تواند به ایجاد ارزش زیبایی‌شناسنامه و پیچیدگی تازه منجر شود. البته افزودن عناصر جدید نباید هویت سازه یا مکان را زیبین ببرد یا نفی کند. موجودیت‌های جدید باید با محیط اطراف هماهنگ باشند و با شخصیت اصلی منطقه مطابقت داشته باشند. این مقاله یافتن راه میانهای را پیشنهاد می‌کند، چراکه پژوهش‌های بیش از حد جسورانه ممکن است به ازبین رفتن اصالح و تخریب هویت ساختمان و محیط اطراف منجر شود. علاوه‌بر این، یک رویکرد بسیار محدود کننده ممکن است اجرای هر گونه تغییر را ناممکن یا سخت کند (Szuta & Szczepański, 2020).

بهدلیل عدم مطرح شدن این موضوع در نشریات و مقالات داخلی، در این مقاله نمونه‌هایی از بین کلیساها مختلفی که تغییر کاربری داده‌اند، انتخاب شده است که در بخش‌های آتی مقاله معرفی، تحلیل و بررسی می‌شوند.

روش پژوهش

هدف این مقاله تعیین رویکردهای موجود در برخورد با تغییر کاربری کلیساها تاریخی در هشت کشور اروپایی است. کلیساها مورد بررسی در این تحقیق در کشورهای آلمان، اسپانیا، اکوادور، بلغارستان، هلند و گرجستان یعنی شمال و شرق اروپا قرار دارند. این نمونه‌ها به لحاظ وسعت، متنوع انتخاب شدند تا امکان مقایسه رویکردهای اتخاذ شده در آنها فراهم شود. اطلاعات مربوط به هر نمونه ابتدا با جستجو در منابع علمی معتبر انجام شد و در مواردی که مقاله یا کتاب مرتبط با نمونه یافت نشد، از منابع معتبر اینترنتی برای دریافت اطلاعات اولیه استفاده شد. وضعیت فعلی چنین بنایی براساس ادبیات موجود بررسی شد. سپس اطلاعات طبقه‌بندی شده و محورهای مختلفی چون چگونگی کاربری‌ها، عوامل مؤثر در تعیین کاربری‌ها، محورهای مهمی چون تحلیل عناصر الحاق شده در حجم، سقف و ورودی، مصالح به کاررفته و تحلیل مصالح انتخابی بررسی شد و نتایج در قالب جداول و نمودار ارائه و تحلیل شدند. در این مقاله از روش توصیفی-تحلیلی، رویکرد تطبیقی، قیاس و روش استدلال منطقی استفاده شده است. مقایسه کلیساها منتخب امکان بررسی مزایا و معایب نحوه‌های برخورد و راحلهای به کار گرفته شده را فراهم می‌کند.

یافته‌ها

در این قسمت به معرفی کلیساها منتخب این مقاله پرداخته می‌شود.

• کلیسای دومینیکن^۹

کلیسای دومینیکن یک کلیسا گوتیک قرن سیزدهم است که در سال ۱۲۹۴ در مرکز شهر ماستریخت از سنگ ساخته

دارد. برخی معتقدند در طی این تغییر کاربری، ساختار معماری اصلی حفظ شده اما دارای الحق معاصری است که به ارزش مذهبی و نمادین آن احترام می‌گذارد و همچنین قابل برگشت است. برخی هم بر این باورند که نیم طبقات فلزی جدید که از نظر ساختاری جدا از سازه اصلی هستند، از نظر بصری کاملاً ناهماهنگ هستند و هویت فضایی بنا را به شدت تضعیف می‌کنند. این سازه نیمی از شبستان اصلی و یکی از دو شبستان جانبی را اشغال می‌کند و نوعی نفی تقان در ساختار اولیه ایجاد می‌کند. این فرایند از یک روند پست‌مدرن پیروی و نوعی انفال معنایی را القا می‌کند که در آرزوی خنثی کردن تمرکز نمادین است (Harney, 2017; Mirabella Roberti, 2017) از جمله انتقاداتی که به این پروژه وارد می‌کنند، تغییر کاربری منطقه محراب به یک بار است، برخی این تصمیم را نوعی نگاه تمسخرآمیز می‌دانند (Fiorani et al., 2017, 355).

• کلیسای کلمبا^{۱۰}

موزه اسقفنشین کلن، در سال ۱۸۵۳ ساخته شد. در آن زمان سنت کلمبا بر کلن تسلط داشت و می‌خواست با تأسیس موزه‌ای برای نمایش هنر مذهبی از دوران اولیه مسیحیت به بعد، قدرت خود را نشان دهد. در طول جنگ جهانی دوم، موزه و اطراف آن در اثر حمله هوایی متفقین ویران شد. دیوارهای بیرونی، بخشی از یک برج و یک مجسمه گوتیک مریم مقدس، سالم باقی ماندند. بلاfangale پس از جنگ، در سال ۱۹۴۹، کلیسای کوچکی به نام مدונה در خرابه‌ها، در ویرانه‌های سایت به یادبود بمباران‌ها ساخته شد. موزه در سال ۱۹۵۴ در مکان دیگری در کلن بازگشایی شد و در سال ۱۹۷۲ به مکان تاریخی خود بازگشت، اما به زودی مشخص شد که فضای کافی برای نمایشگاه‌های بزرگ وجود ندارد. در سال ۱۹۹۶ مسابقه‌ای برای بازسازی موزه برگزار شد که پیتر زومتُور^{۱۱} برنده آن شد. هدف اصلی از بازسازی موزه نه تنها بهبود کیفیت صحنه‌نگاری و عملکردی آن، بلکه ایجاد مکانی برای سکون و تمرکز بود. شخصیت تاریخی این مکان باید با ادغام هنر قدیمی و مدرن حفظ می‌شد. این مجموعه بیش از ۱۵۰ سال در اختیار اسقف بود. استقلال کلیسای کوچک مذکور از موزه یکی از شرایط پروژه جدید بود، بهدلیل اینکه از آن استفاده مذهبی می‌شد. ساختمان جدید بیشتر روی ویرانه‌های کلیسای گوتیک متاخر ساخته شده است و به اصطلاح تالار ویرانه، بقایای باستان‌شناسی را قاب می‌کند. یک بال جانبی جدید و سطوح طبقه فوقانی، فضاهای نمایشگاه را در خود جای داده است. تالار ویرانه، بزرگ‌ترین اتاق موزه است و مانند یک میدان بزرگ باستان‌شناسی با ستون‌های فلزی نازک است. یک گذرگاه پیچ در پیچ از چوب قهوه‌ای تیره بازدیده‌کننده را از میان آثار جنگ هدایت می‌کند. این فضای به یادماندنی به طور چشمگیری روشن است زیرا نور منتشرشده از طریق منفذی فیلتر می‌شود که با حذف آجر ایجاد شده است. در کنار سایه‌ها، نفوذ صدای خیابان بر محیط تأثیر می‌گذارد. کلیسای اصلی توسط تالار ویرانه بزرگ محصور شده است اما کاملاً کاربردی و از بیرون قابل دسترسی است. ساختمان جدید شامل ۱۶ اتاق نمایشگاهی

است که در سه سطح سازماندهی شده‌اند. زومتُور برای یکپارچه کردن قطعات ازبین‌رفته سایت از آجر خاکستری «بافته شده»^{۱۲} استفاده کرده است. آجرهای خاکستری با ضخامت ۶۰ سانتی‌متر توسط پیترسن تکل^{۱۳} دانمارکی مخصوص این پروژه طراحی شده است. این آجرهای جدید در ترکیب با بقایای کلیسا، داستان موزه معاصر را روایت می‌کند. جدید در قدیم منعکس می‌شود، گذشته در زمان حال تغییر می‌کند و به شیوه‌ای جدید درک می‌شود. تعداد زیادی سوراخ کوچک متراکم در دیوار وجود دارد که از طریق آن‌ها پرتوهای نور به داخل اتاق می‌تابند و با تغییر فصول و تغییر مکان و بازی نورهای پراکنده در میان آثار باقی‌مانده، محیط همیشه در تغییر است (تصویر ۲). در موزه هنر کلمبا، دیوارهای جدید کرمزنگ کم‌عمق و دیوارهای باستانی دارای تضادی هستند که باعث هدایت و تحریک احساسات می‌شود. مصالح دست‌ساز، قطعات تخریب شده سایت را متحدم می‌کند و قدیمی و جدید را در کنار هم قرار می‌دهد. پیتر زومتُور ضمن رعایت بینش سازماندهی جدید، توانست با احساس آرامش و مراقبه، شهر تاریخی را دیواره ارزش دهد (Jia et al., 2013; Plevoets & Cleempoel, 2019).

این پروژه جوایز متعددی دریافت کرده است.

• کلیسای ویلانوا دلابارکا^{۱۰}

کلیسای ویلانوا دلابارکا در قلب کاتالونیا در قرن سیزدهم و عمدتاً به سبک رومی ساخته شده است، اما طاق‌های نوک‌تیز تأثیرات

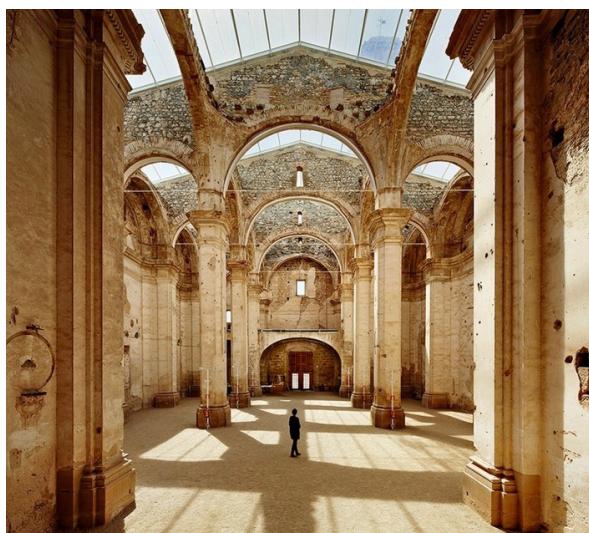


تصویر ۲. کلیسای کلمبا. مأخذ: www.arcstreet.com

امکان حفظ شود. همچنین احساس بپرونودن را حفظ کرده و کلیسا را به سمت آسمان و روشن شدن توسط نور خورشید باز نگه دارد. تا حد امکان بر دیوارهای موجود، تأثیر کمتری بگذارد. به طور خلاصه، یک لایه شفاف و ساده اضافه شد تا کلیسای قدیمی را به مردم شهر بازگرداند و آن را به یک فضای عمومی چندمنظوره جدید و امن برای نمایشگاهها، کنفرانس‌ها و برنامه‌های اجتماعی تبدیل کند (مؤذن و ص برجی، ۱۴۰۲) (تصویر ۴).



تصویر ۳. کلیسای ویلانوا دلبارکا. مأخذ: www.arquitecturaviva.com



تصویر ۴. کلیسای کربرادابرہ. مأخذ: www.archello.com

گوتیک را نشان می‌دهد. در طول جنگ داخلی اسپانیا در سال ۱۹۳۶، کلیسا به شدت آسیب دید و برای بیش از ۸۰ سال دیوارها و پیران شده بود. در سال ۲۰۰۹ تصمیم گرفته شد که این فرسایش متوقف شود و در شرایط فعلی حفظ شود. معماران پیشنهاد کردند که خطوط بیرونی اصلی ساختمان را بازتولید کنند و از کلیسای سابق به عنوان یک سالن چندمنظوره برای نمایشگاهها و کنسرت‌ها استفاده کنند. آجر نقش اصلی را در این فرایند پیچیده بازسازی ایفا می‌کند. مداخله روی عناصر پوششی (نما و سقف بنا) متمرکز بود. برای بازسازی بخش‌های تخربشده دیوارهای زمای آجری بافت مشبك استفاده شد. کل الحالات دیوارها و سقف به عنوان پوستهٔ معماری جدید به آرامی به بقایای دیوارهای کهن تکیه داده است. کلیسای قدیمی از بیرون، بنای تاریخی مرمت شده به نظر می‌رسد، در عین حال درون ساختمان، به سبب الحالات، ورود نور طبیعی از پنجره‌ها و پاسیوی جدید، سیمایی نو دارد و فضای آرامش و تأمل به عنوان روح مکان حاکم بر بنای مقدس - حفظ شده است. این پروژه گفتگوی معمارانه بین قدیم و جدید، گذشته و حال را بنا می‌نهد. در بخش شرقی، مرمت دو پشت‌بند جانبی، احتمالاً با منشاء رومانسک و یک گنبد تیزه‌دار اواخر گوتیک روی محراب انجام شده است. ورودی سنگی کلیسا که تحت تأثیر فرسایش‌های آبوهوایی در طول زمان آسیب دیده بود، با سنگ‌های تراشیده و مسطح منطقه بازسازی شده است. نمای بیرونی ابهام و پیچیدگی را باند پنجره و بازسازی بخش‌های تخربشده با بافتی حفره‌دار افزایش می‌دهد. بافت متراکم و نامنظم سنگ‌های مسطح و تراشیدهٔ الحقی، از تداوم بصری و یکپارچگی با بافت اصلی حمایت می‌کند. اما نمای داخلی با آجر سوراخ‌دار سفید که تضاد و انقطاع را بین بخش‌های قدیمی و عناصر جدید تقویت می‌کند، طراحی شده است (تصویر ۳). دسترسی پیشین به محراب - به دلیل تخربهای فراوان - به عنوان ورودی جدید تعریف می‌شود و این منطقه بعد از سال‌های مهجور شدن توسط دیوار جداگانه، هویت اصیل خویش را بازمی‌یابد (مؤذن و ص برجی، ۱۴۰۲). این کلیسا برندۀ جایزه آجر ۲۰۲۲ و جایزه ریبا ۲۰۱۸ شده است.

• کلیسای کربرادابرہ^۱

کلیسای کربرادابرہ در طول جنگ داخلی اسپانیا (۱۹۳۹-۱۹۳۶) آسیب جدی دید و سقف آن ویران شد، بیشتر طاق‌های آن فرو ریختند و پیرانه‌های آن به عنوان یادبودی از وقایعی که به شدت روستا و ساکنان آن را تحت تأثیر قرار دادند، باقی ماندند. ساختمان به مدت ۵۰ سال رها شد و به یک ویرانه در شهر تبدیل شد. معمار برای طراحی مجدد می‌خواست ویرانه به عنوان نماد جنگ داخلی به یادگار بماند و دوران ویرانی تداعی شود، او پیشنهاد استفاده از یک مادة شفاف برای پوشش سقف را داد. سقف شفاف جدید کلیسا به ارائه نور طبیعی روز فراوان در سراسر ساختمان کمک می‌کند. این کلیسا نمونه بر جستهای از تغییر کاربری یک ساختمان با حفظ ویرگی معماری آن است. یک سقف شفاف جدید از ای‌تی‌اف‌ای^۲ برای این مجموعه در نظر گرفته شد. ایدهٔ شفاف‌بودن سقف از آنجا ناشی شد که شخصیت خواجه‌ها تا حد

بخشی از پروژه «مذهب در نسبار»^{۳۷} شهرداری نسبار، در مسیر فرهنگی-گردشگری «جاده روحانی»^{۳۸} قرار گرفته است. حفاظت، مرمت و احیاء کلیسا سنت پاراسکوا نتیجه یک مسابقه معماری است که توسط کمیته ملی بلغاری ایکوموس، همراه با شهرداری نسبار و موزه محلی برگزار شد. تخریب بخش قابل توجهی از ارتفاع بنا و جدارهای ناپایدار دندانه دار شده، مهم‌ترین عارضه‌های بنا بود. با این وجود کلیسا دارای ویژگی‌های یک عنصر حیاتی ساختار شهری است. مداخله و بازیافت کارکرد، نقش کلیدی ساختمان در ترکیب شهر و شخصیت آن را دوباره برپا می‌کند. تمام عناصر اصلی به دقت محافظت شد و مداخلات هماهنگ انجام شد. ابزار و تکنیک‌های معاصر استفاده شده، تا ویژگی‌های فضایی کلیسا باز خلق شود. تنها عناصر با شواهد انکارناپذیر، مرمت شدن و از هر مرمت فرضی اجتناب شد. برای بیان ساختار اصلی بنا در داخل و خارج، ورق‌های کورتن استیل سوراخ شده استفاده شد. این مصالح با رنگ کلیسا به خوبی هماهنگ است و در عین حال به عنوان مصالح معاصر شناخته می‌شود. توالی لایه‌های آجر و سنگ با اندازه‌های مختلف در نمای بنای اصلی، با ایجاد سوراخ‌هایی در ورق‌های فولادی باز تولید شده است. تماس مصالح جدید با ساختار اصلی حداقل است و تمام مداخلات برگشت پذیر هستند (مؤذن و صبرنجی، ۱۴۰۲). تصویر ۶.

کلیسا همواره قلب شهر، واسطه و مترجم فرهنگ و اطلاعات بوده است. این عملکرد که نقش مهمی را برای شهر در طول تاریخ دارد، در این پروژه ادامه می‌یابد. ایده اصلی این پروژه ایجاد امکان برای تبدیل شدن کلیسا به یک مرکز فرهنگی اطلاعاتی با عملکرد متنوع -نمایشگاه، سالن کنسرت، سالن نمایش سه‌بعدی، اینیمیشن، مستند، فیلم‌های مربوط به توسعه تاریخی شهر و آثار تاریخی فرهنگی آن و همچنین آموزش‌های عام میراث فرهنگی- است. بدین ترتیب این کلیسا به یک موزه مهم تبدیل شده است که برای نگهداری آثار کلیساها دیگر که اکنون ویران شده‌اند، استفاده می‌شود. به عنوان مثال، برای اولین بار، نقاشی‌های دیواری از کلیسا سنت جورج که در سال ۱۹۵۸ تخریب شد، در معرض دید عموم قرار می‌گیرد (Karagianni & Tanou, 2021).



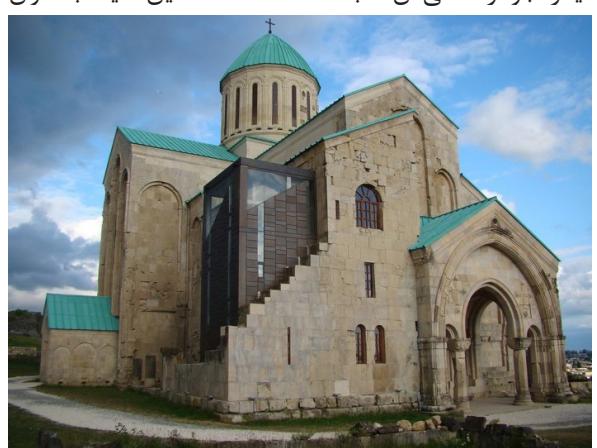
تصویر ۶. کلیسا نسبار . مأخذ: www.archdaily.com

۰ کلیسا باگراتی^{۳۹}

کلیسا جامع باگراتی که در سال ۱۰۰۳ ساخته شد، یک بنای فرهنگی مهم در تاریخ سیاسی و معماري گرجستان است. این کلیسا در سال ۱۶۹۱ در اثر انفجاری ویران شد و در سال ۱۹۹۴ در فهرست میراث جهانی یونسکو در وضعیت ویران شده خود ثبت شد. بازسازی کلیسا جامع باگراتی که در سپتامبر ۲۰۱۲ انجام شد، اهداف متفاوت سیاستمداران گرجستانی، مقامات کلیسا ارتدکس گرجستان^{۴۰} و مورخان معماري را در کانون توجه قرار داد. برخی معتقدند که بازسازی کلیسا جامع باگراتی به اهداف مورخان معماري و اصول آکادمیک مرمت و حفاظت عمل کرد. نتیجه این که باگراتی بازسازی شده است اما در معرض خطر حذف از فهرست میراث جهانی قرار دارد. بازسازی باگراتی پیامدهایی برای آینده حفاظت و مرمت بنا در گرجستان دارد. طبق گزارش کمیته میراث جهانی «کلیسا جامع باگراتی به خطر افتاده است». برخلاف توصیه ایکوموس، بلوک‌های سنگی اصلی باقی‌مانده مجدد استفاده نشدند و بخش‌های جدید ساختمانی از بتن مسلح به روشی غیرقابل برگشت در بافت تاریخی کاشته شدند (Brumann, 2017) (تصویر ۵).

۰ کلیسا سنت پاراسکوا^{۴۱}

شهر باستانی نسبار در لیست میراث جهانی یونسکو قرار دارد. در این شهر، تمدن‌های متعدد آثار ملموسی را در نظامی هماهنگ با طبیعت به وجود آورده‌اند، که تا امروز در یک بافت متراکم زندۀ شهری حفظ شده است. کلیسا سنت پاراسکوا در قرن ۱۳ ساخته شده و نمایشی زنده از اصول زیبایی‌شناسی سازه‌های مقدس - تکناو - در بلغارستان قرون وسطی است. کلیساها طاق پوش با سقف سه‌گوش شیروانی پوشانده می‌شدند. تزئین اصلی نما برای این کلیساها، آجرهای کوچک و سرامیک‌های لعابدار است. علی‌رغم تخریب نزدیک به یک سوم حجم اصلی و ارتفاع کلیسا در طول هفت قرن و مرمت و مداخلات مختلف دیگر، جوهره اصلی آن نسبتاً حفظ شده است. این کلیسا به عنوان



تصویر ۵. کلیسا جامع باگراتی. مأخذ: www.flickr.com

۰ کلیسای بانوس^{۱۹}

کلیسای بانوس پس از زلزله ۱۷۹۷ در سال ۱۸۳۱ تعمیر شد و در نهایت پس از زلزله سال ۱۹۴۹ به ویرانه تبدیل شد. وزارت خانه‌ای که مکان‌های میراث فرهنگی (که عامل توسعه محلی، منطقه‌ای و ملی هستند) را از طریق واحد مدیریت اضطرار، نگهداری می‌کند؛ خدمات حرفاًی را برای طراحی سقف بر فراز دیوار قدیمی ترین کلیسای شهر بانوس (۱۷۸۸) استخدام کرد. اهداف پروژه در جهت پاسداشت میراث معماری بدین ترتیب تعریف شدند:

- بازتعریف کارکرد برای فضایی بی‌استفاده و فراموش شده؛ به عنوان یک زیرساخت شهری که باید به نیازهای فضایی مرکز اجتماع در شهر بانوس پاسخ دهد.
- ساختن سقفی امن برای کلیسا با طرحی که از فرایند انتزاعی کردن سقف اصلی پدید آمده باشد.
- حفاظت و تقویت ساختار موجود (دیوارهای داخلی و مصالح باقی‌مانده سقف)، تأمین تهویه و نور طبیعی (مؤذن و صبرنجی، ۱۴۰۲).
- دیوارهای کلیسای قدیمی توسط مجموعه‌ای از ساختمان‌های مجاور محدود شده بود که سبب کم‌اهمیت جلوه‌دادن بنای موجود می‌شد. پویایی سقف جدید، در تضاد با محیط ساکن کلیسا، ارزش‌های نهان کلیسای قدیمی را دوباره ارج می‌نهد. مصالح پیشنهادشده ویژگی‌های لازم برای نشان‌دادن تفاوت طرح با ساختار اصلی را دارا است: سازه فلزی و پلی‌کربنات شفاف (حفاظت، بدون کم‌کردن نور مناسب داخل) (تصویر ۷).

۰ کلیسای سنت فرانسیس^{۲۰}

مجموعه صومعه سنت فرانسیس بین سال‌های ۱۷۲۱ و ۱۷۲۹ توسط کشیشان فرانسیسین ساخته شد. کاربری این مجموعه تا سال ۱۸۳۵ صومعه بود و در سال ۲۰۰۰ توسط دولت تخریب شد. تنها بخشی از کلیسا و دیوار محیطی باقی مانده بود و به علت کیفیت ساخت نسبتاً پایین در حال تخریب بود. در روند باززنده‌سازی، بخش‌های باقی‌مانده حفظ شدند؛ هرچند ترکیب آن‌ها با بخشی‌های جدید مسئله را پیچیده می‌کرد. مداخله در این کلیسا، واقع در شهر سنت پدرو کاتالانیا، بهمنظور تبدیل این ساختمان به یک مرکز فرهنگی چندمنظوره و سالن نمایش در دو فاز بود. پیش‌بینی می‌شود در آینده، مرحله سوم، اجازه استفاده از

کلیسا از جمله؛ پله‌هایی برای دسترسی به طبقه بالا، سرویس‌های بهداشتی و اتاق تجهیزات بود. برای حفظ حس فضا و یکپارچگی درون کلیسا، الحالات به صورت مجزا از هم، در خارج از ساختمان واقع شدند یا در درون ساختمان طوری قرار گرفتند که چشم‌انداز فضای یکپارچه شیستان و نمازخانه اصلی حفظ شود. مجموعه پلکان و رمپ ساختمان علاوه بر فراهم آوردن دسترسی به طبقات فوقانی کلیسا؛ مسیری دور در سرتاسر ساختمان تعریف کردند که بیشتر به یک موزه می‌ماند. این مسیر دایر و اجراء می‌دهد کلیت کیسا از جبهه‌های مختلف مشاهده شود. مداخله برای حفظ میراث تاریخی بناء، با اضافه کردن ارزش‌های جدید، آن را ارتقاء داده و به صومعه‌ای قدیمی، فرمی معاصر و منحصربه‌فرد داده است (مؤذن و صبرنجی، ۱۴۰۲). کلوز^{۲۱}، معمار بخش‌های جدید بناء، می‌گوید: در عوض بازسازی، وضع موجود بافت قدیم آن را استحکام بخشیده و عناصر جدیدی که آشکارا از عناصر قدیمی متمایز هستند به آن الحق کردیم. استحکام بخشی‌ها بدون حذف فرایند زوال و فوریتگی‌هایی بوده که به ساختمان آسیب‌زده است. مواد مورد استفاده در بازسازی عمدها شیشه و فولاد هستند که کاملاً با سنگ خشن همانگ هستند (تصویر ۸).

برای این بناء یک ورودی جدید تعریف شده است. به اعتقاد برخی، موضوع پیوند جدید به قدیم در این مورد راه حلی افراطی در ایجاد حجم‌های جدید پیدا کرده است. این حجم روی فضاهای در حال



تصویر ۷. کلیسای بانوس. مأخذ: www.archdaily.com

اقدامات ضروری

الحالات تطبیقی

• اقدامات ضروری

اقدامات ضروری مداخلاتی هستند که برای ادامه حیات بنا با کاربری قبلی یا جدید لازم است انجام شوند. به عنوان مثال سقف یا دیوارهای فرو ریخته نیاز به مرمت و حفاظت دارند و نیاز به پوشش جدید است که در زمرة الحالات جدید بهشمار می‌رود. مطابق منشور ونیز (ICOMOS, 1964)، که همچنان به عنوان یک مرجع مهم در مقالات و اقدامات روز دنیا بررسی می‌شود، الحالات جدید باید از بخش‌های قدیمی متمایز و برگشت‌پذیر باشد. در نمونه‌های بررسی شده در این تحقیق شاهد برخی از این الحالات هستیم. پنج مورد از هشت نمونه بررسی شده در این تحقیق، سقف فرو ریخته داشتند. یعنی بالای ۶۰ درصد نمونه‌های این پژوهش نیاز به اقدامات ضروری در حوزه پوشش جدید سقف داشتند.

• الحالات تطبیقی

دسته دوم اقداماتی است که به منظور حفظ و برگشتن خطوط کلی هیأت بنا نیست، بلکه به منظور تجهیز و آماده‌سازی برای کاربری جدید انجام شده است. در بناهای استفاده مجدد شده، بیشتر مناقشات بر سر دسته دوم مداخلات است. تغییر کاربری بنا نیازمند تجهیز و آماده‌سازی ساختمان برای کارکرد جدید است. این الحالات ممکن است در حجم کلی ساختمان از بیرون قابل مشاهده باشد یا اینکه تنها با ورود به بنا بتوان آن‌ها را دید.

- الحالات بیرونی

- الحالات درون بنا

الحالات تطبیقی اصلی را می‌توان شامل اضافه کردن یا



تصویر ۸. صومعه سنت فرانسیس. مأخذ: www.archdaily.com

فروپاشی صومعه قرار گرفته، ظاهراً معلق هستند، اما در واقع بر بقایای دیوارهای بنایی باستانی تکیه دارند و توسط تیرهای بتنی بزرگی پشتیبانی می‌شوند (Fionari, 2017).

بحث

اطلاعات کلی مربوط به هشت نمونه موردی در جدول ۱ آمده است. در تحلیل نمونه موردها، جنبه‌های مختلفی چون نوع کاربری جدید، الحالات جدید و مصالح به کارفته بررسی می‌شود. به طور کلی می‌توان نوع مداخلات در این بناهای را به دو دسته کلی تقسیم کرد:

جدول ۱. اطلاعات کلی مربوط به هشت کلیسا بررسی شده. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	نام کلیسا	کشور	سال مرمت	کاربری جدید	قدمت	جوائز
۱	کلیسا کلمبا	آلمان (کلن)	۲۰۰۸	موزه هنرهای دینی	قرن ۱۴	جایزه آجر ۲۰۰۸ و جایزه دیگر
۲	کلیسا ویلانوادلارکا	اسپانیا (لیریدا)	۲۰۱۶	سالن چندمنظوره	قرن ۱۳	جایزه ریبا ۲۰۱۸ و جایزه آجر ۲۰۲۲
۳	کلیسا سنت پارلسکوا	بلغارستان (نسبار)	۲۰۱۴	مرکز فرهنگی (موزه آثار سایر کلیساها)	قرن ۱۳	-
۴	کلیسا کربرادابرا	اسپانیا (پوبل ول)	۲۰۱۴-۱۹۹۹	سالن چندمنظوره	-	-
۵	کلیسا بانوس	اکوادور (بانوس)	۲۰۱۰	مرکز اجتماع شهر	۱۷۸۸	-
۶	کلیسا سنت فرانسیس	اسپانیا (سنت پدرو)	۲۰۲۰-۲۰۰۶	مرکز فرهنگی	قرن ۱۸	-
۷	کلیسا باغراتی	گرجستان (کوتایسی)	۲۰۱۲	مرکز فرهنگی	قرن ۱۱	گرجستان و جایزه بین المللی دانشگاه فارادوموس
۸	کلیسا دومینیکن	هلند	۲۰۰۷	كتبلفروشی	قرن ۱۳	Lensvelt Architectuur جایزه معماری

با ریشه فرهنگی برای استفاده مجدد تطبیقی از بنای مذهبی کلیساها مناسب‌تر تشخیص داده شده‌اند.

• مصالح

در ماهه ۱۲ دستورالعمل‌های طراحی ساختمان‌های تاریخی منشور و نیز آمده است که «جایگرینی قطعات مفقودشده باید هماهنگ با کل باشد، اما در عین حال باید از اصل متمایز باشد تا مرمت، شواهد هنری یا تاریخی را جعل نکند» (ICOMOS, 1964). در تلاش برای تفسیر و بحث در مورد انتخاب مصالح و طراحی فرم‌های جدید با توجه به منشور و نیز، می‌توان به این نتیجه رسید که تفاوت‌های مشهودی باید بین معماری‌های قدیمی و جدید وجود داشته باشد؛ از این‌رو، مداخله، معماري تاریخی را جعل نمی‌کند (Khalaf, 2016). با این‌حال، تعیین سازگاری معماري اصلی و اثر تطبیقی نباید صرفاً از ارزیابی بصری رابطه بین معماری قدیمی و جدید ناشی شود (Mine, 2013, Beste, 2019).

بررسی و تحلیل بهتر نمونه‌ها می‌توان چهار دسته کلی برای این بخش درنظر گرفت: مصالح سقف، مصالح ورودی، مصالح به کاررفته در احجام الحاقی خارج‌بنا و مصالح مورداستفاده در الحالات درون‌بنا.

- سقف

در مورد مصالح با دو دسته کلی مواجه هستیم: ۱. مصالح نورگذر و شفاف / ۲. مصالح با عدم خاصیت شفافیت. در کلیساها دایرا و بانوس از مصالح شفاف استفاده شده است. شفافیت در کلیسا دایرا بسیار بیشتر است. سقف فروریخته در این کلیسا با ساختاری

شاخص‌کردن ورودی، احجام عملکردی موردنیاز برای کارکرد جدید و مبلمان دانست. برای برخی بناهای ورودی جدید با شکل و مصالح نوین تعریف شده است. مانند کلیسا سنت فرانسیس و کلیسا دومینکن، برخی مطالعات بر این باورند که اضافه شدن حجم‌های جدید برای ورودی بر جذابیت بنا برای کاربران می‌افزاید (Szuta & Szczepański, 2020). بیشترین حجم اضافه شده به کلیساها این تحقیق مربوط به کلیسا باگارتی و کلیسا کلمبا است. طیف الحالات به بناهای تاریخی متفاوت است و به عوامل مختلفی همچون کاربری جدید، شرایط بنای موردنظر، وسعت بنا و نظرات متخصص معمار و مرمتگر بستگی دارد. به عبارت دیگر هرچه بنای اولیه اجزاء سالم‌تری داشته باشد، الحالات معطوف به تجهیز برای کاربری جدید می‌شود و اگر بخش‌های مخروب بنای تاریخی زیاد باشد، لازم است ابتدا تمہیدات لازم برای مناسب‌سازی شرایط جهت قابل استفاده شدن بنا (قدامات ضروری) لحاظ شود. در بین نمونه‌های بررسی شده در این مقاله کلیسا دومینکن کمترین نیاز را به اقدامات مرمتی داشته و سقف یا دیوارهای فروریخته زیادی نداشته، با این‌حال بیشترین الحالات را در داخل بنا برای مناسب‌سازی عملکرد دارد. احجام الحاقی به بنای تاریخی کلیسا باگارتی به حدی است که آن را کاندید بنای در خطرو و نامزد برای خارج شدن از لیست بناهای ثبت جهانی شده قرار داده است. در بین نمونه‌های این تحقیق کلیسا کلمبا گرچه میزان الحالات زیادی دارد اما به دلیل رعایت اصول منشورها و استفاده مناسب از مصالح، نتیجه قابل قبول‌تری دارد (تصویر ۹).

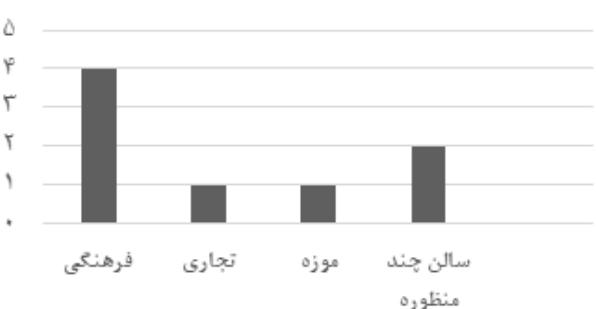
• کاربری

تعیین کاربری جدید بحث‌برانگیزترین قسمت در استفاده مجدد از بناهای تاریخی خصوصاً کلیساها است. مطالعات مختلف به اهمیت مشارکت مردم و لحاظ کردن نظر آنها در کنار نظر متخصصان و بسندۀ نکردن به نظر سرمایه‌گذاران تأکید می‌کند. چراکه غالباً اولویت اول سرمایه‌گذاران، بهره‌وری اقتصادی است، در حالی که حفظ اصالت و یکپارچگی از نظر متخصصان اولویت اول است (Ahn, 2007). در بین کاربری‌های در نظر گرفته شده برای این هشت کلیسا، چنان که در تصویر ۱۰ قابل مشاهده است، بیشترین فراوانی با کاربری‌های فرهنگی است. بعد از آن کاربری سالن چندمنظوره در جایگاه دوم قرار دارد.

با توجه به اینکه موزه کلمبا به نمایش هنرهای دینی می‌پردازد، کاربری این موزه را نیز می‌توان در زیرمجموعه کاربری فرهنگی به‌شمار آورد. همچنان سالن‌های چندمنظوره اغلب محلی برای تجمع مردم و برگزاری برنامه‌هایی با محتوای فرهنگی-اجتماعی هستند. اگر این دسته از کاربری‌های هنری در زیرشاخه کاربری فرهنگی به‌شمار آوریم، بیش از ۸۷ درصد کاربری‌های تعریف شده برای این بناهای در بین نمونه‌های این تحقیق دارای کاربری فرهنگی هستند. حتی کتاب‌فروشی نیز با قرار داشتن در زیرمجموعه کاربری تجاری ماهیتی فرهنگی دارد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد کاربری‌هایی

تصویر ۹. دسته‌بندی الحالات در استفاده مجدد تطبیقی. مأخذ: نگارندگان.

فراوانی کاربری‌ها



تصویر ۱۰. فراوانی کاربری‌ها در استفاده مجدد تطبیقی از هشت کلیسا بررسی شده در این پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

در کلیسای کلمبا حجم کلی با استفاده از آجرهای خاکستری ساخته شده که البته در محل پنجره‌ها از شیشه استفاده کرده‌اند. در کلیسای باگراتی حجم کلی با فلز و شیشه ساخته شده است که به لحاظ برگشت‌ناپذیر بودن شیوه ساخت، نقدهایی بر آن وارد کرده‌اند. مقایسه این دو بنا به خوبی مشخص می‌کند که استفاده از مصالح تا چه اندازه نتیجه نهایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

- الحالات داخل بنا

الحالات بنا در داخل کلیسای کلمبا، مسیرهایی از جنس چوب است. در کلیسای سنت فرانسیس پلکان و عناصر چوبی به کار رفته است و در کلیسای دومینیکن از مصالح فلزی برای تعریف طبقات، پله و قفسه‌های کتاب استفاده شده است. هم چوب و هم فلز به کارفته تکرینگ، متمایز از مصالح اصلی بنا و برگشت‌پذیر هستند. خلاصه‌ای از بحث الحالات جدید در خارج و داخل بنا و همگون بودن یا متضاد بودن مصالح به کارفته در نمونه‌های موردنبررسی در این تحقیق، در جدول ۲ جمع‌بندی شده است. گرچه در دو نمونه از مصالح همگون استفاده شده است، اما آنها هم به لحاظ ابعاد، ساختار و رنگ متفاوت از مصالح قدیمی هستند و اصل تمایز در آن‌ها به خوبی رعایت شده است.

• وسعت بنا

به‌نظر می‌رسد یکی از فاکتورهایی که بنا را مستعد تجهیز یا عدم تجهیز با الحالات داخلی یا خارجی می‌کند، وسعت بنا است. اظهار نظر دقیق درباره ارتباط وسعت بنا و میزان مداخلات نیاز به پژوهشی جامع و مجزا از این تحقیق دارد. با این حال در این تحقیق به این ارتباط بین نمونه‌های بررسی شده پرداخته می‌شود. در این تحقیق پنج کلیسا (کلیساهای کلمبا، باگراتی، سنت فرانسیس،

شفاف از قاب‌های فولادی و فویل ای‌تی‌افای، به عنوان پرکننده جایگزین شده است تا پوشش و شرایط سکونت را بهبود بخشد. استفاده از مواد شفاف تعادل ظرفی بین طبیعت و ساختمان و همچنین خاطره جنگ را به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از تاریخ مکان حفظ می‌کند (Barou et al., 2018). از جمله ویژگی‌های شیشه یا سایر مصالح نورگذر و شفاف می‌توان به این مورد اشاره کرد که ماده‌ای صادق هستند و مکمل و متضاد عمل می‌کند. همانطور که در منشور ونیز (ICOMOS, 1964) پیشنهاد شده است، «مهر معاصر را دارند» و شواهد تاریخی را جعل نمی‌کنند (Barou et al., 2018). در کلیسای باتوس ترکیبی از سازه فلزی و پلی‌کربنات شفاف، در کلیسای ویلانوا دلبارکا، سنت پاراسکوا و سنت فرانسیس از مصالح فلزی و در کلیسای پاراسکوا از فلز کورتن استیل استفاده شده است.

- ورودی

دو بنا در این تحقیق دارای فضاهای ورودی الحاقی هستند. در کلیسای سنت فرانسیس ترکیبی از شیشه و فلز در هیأت حجمی انتزاعی ظاهر می‌شود. مطالعات بر این باورند که مرمت‌هایی که با هدف استفاده مجدد و بازسازی یک بنای تاریخی انجام می‌شوند، می‌توانند از عناصر شیشه‌ای به عنوان وسیله‌ای برای بستن فضاهای (میانجی) فی‌مابین (ستون‌ها، پاسیوها و طاق‌ها) یا به عنوان بخشی از گسترش، معمولاً به شکل انتزاعی، شرایط داخلی را مناسب و عملکردهای جدید را در خود جای دهند و همساز کنند. صومعه سنت فرانسیس قابلیت شیشه را در سازه‌های توسعه نشان می‌دهد که می‌تواند یک ساختمان تاریخی را کاملاً متحول کند (ibid., 2018).

در کلیسای دومینیکن نیز ورودی فلزی با استفاده از کورتن استیل تعریف شده است. کورتن استیل به سبب زنگزدگی که در شکل خود دارد، حسی از قدمت و گذر زمان را نشان می‌دهد و مصالح مناسبی برای الحالات جدید به بناهای قدیمی است.

- حجم‌های الحاقی

جدول ۲. جمع‌بندی مصالح و الحالات جدید در داخل و خارج بنا در کلیساهای بررسی شده. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	نام کلیسا	مصالح	الحالات جدید خارج بنا	الحالات جدید داخل بنا	میلمان	مسیر	حجم	وروودی	سقف	متضاد	همگون
۱	کلیسای کلمبا										
۲	کلیسای ویلانوا دلبارکا										
۳	کلیسای سنت پاراسکوا										
۴	کلیسای کربرادبرا										
۵	کلیسای باتوس										
۶	کلیسای سنت فرانسیس										
۷	کلیسای باگراتی										
۸	کلیسای دومینیکن										

محدوده کمتر از ۴۰۰ مترمربع در دسته بناهای با متراز کم و بناهای با مساحت بیش از ۴۰۰ مترمربع در دسته بناهای با متراز زیاد دسته‌بندی شدند. برای رسم نمودار این دو مقیاس با اعداد ۱ و ۲ نمایش داده شده است (جدول ۵).

بنابر تصویر ۱۱، بین مساحت و الحالات ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. بدین ترتیب به نظر میرسد هر چه وسعت بنا بیشتر باشد، امکان افزودن الحالات جدید برای کاربری نو بیشتر می‌شود. قطعاً عوامل دیگری نیز حائز اهمیت هستند مثلاً در کلیسای کلمبا، موقعیت قرارگیری (همجواری با خیابان از دو سمت)، فضای قبلی کلیسا (تخریب عمده سقفها و دیوارها) و نیازهای کاربری جدید، در میزان الحالات اثرگذار بودند. در کلیسای کربادابرا به‌غیر از سقف الحاقی بنا فاقد مبلمان جدید است و به نظر می‌رسد به بهره‌برداری کامل نرسیده است. از این‌رو میزان مداخلات در آن کم ارزیابی شده است گرچه مساحت بالای ۴۰۰ مترمربع دارد.

نتیجه گیری

دامنه کارکردهای تعریف شده در کلیساها تاریخی بسیار گسترده است. هدف این مقاله بررسی انواع کارکردهای تعریف شده در کلیساها نیست، بلکه گشودن مبحث بازنی تعریف کاربری جدید برای کلیساها به عنوان بناهای مذهبی در دنیا است. این موضوع در بحث مبانی نظری دارای چالش‌های زیادی است. اما توجه

کربادابرا و دومینیکن) مساحت بیشتر از ۴۰۰ مترمربع و سه کلیسا (کلیساها بانوس، سنت پاراسکوا، ویلانوا دلبارکا) مساحت کمتر از ۴۰۰ مترمربع دارد (مساحت پیش از الحالات مدنظر قرار گرفته است). در کلیسای سنت فرانسیس در اسپانیا، بهدلیل بزرگ‌بودن کلیسا امکان تعریف فضاهای کاربری‌های مختلف در آن فراهم است. از این‌رو بنا حاوی الحاقاتی چون پله‌های داخلی برای ارتباط سطوح مختلف است. همچنین در موزه کلمبا نیز برای تعریف مسیر نمایشگاهی برای بازدید از بقایای باستان‌شناسی، مسیرهای چوبی تعریف شده و طبقاتی برای افزایش فضای نمایشگاهی به مجموعه الحاق شده است. در موزه دومینیکن سازه فلزی برای بخش‌های نمایش و فروش کتاب به بنا اضافه شده است. در حالی که در بناهایی با وسعت کم اغلب تغییرات در حد بهینه‌سازی شرایط سقف و دیوارهای فوریخته است، همچون کلیسای ویلانوا یا کلیسای بانوس.

برای تحلیل میزان مداخلات و مقایسه آن با مساحت بنها، چنین عمل شده است. در مواردی که فارغ از مرمت عناصر موجود یا تکمیل سقف‌ها و دیوارهای فوریخته (اقدامات ضروری)، بخش‌های قابل توجهی به بنا الحاق شده است، درجه دو و مواردی که به اقدامات ضروری و افزودن مبلمان حداقلی در مناسبسازی فضای اکتفا شده، امتیاز یک داده شده است (جدول ۴).

برای یافتن ارتباط بین مساحت بنای تاریخی و مداخلات نوع دوم،

جدول ۳. مصالح به کاررفته در کلیساها بررسی شده تحقیق. مأخذ: نگارندگان.

کلمبا	ویلانوا دلبارکا	پاراسکوا	سنتر فرانسیس	بانوس	کربادابرا	باگراتی	دومنیکن
شیشه							
صلح پلی‌کربنات							
شفاف ای‌تی‌افای							
کورتن‌استیل							
فلز مشکی							
فلز سفید							
خاکستری							
آجر سفید							
چوب							

جدول ۴. میزان مداخلات (اقدامات ضروری و الحالات) در کلیساها بررسی شده در این پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

کلمبا	ویلانوا دلبارکا	پاراسکوا	سنتر فرانسیس	بانوس	کربادابرا	باگراتی	دومنیکن
اقدامات ضروری							
الحالات							
مداخلات							



جدول ۵. مساحت کلیساهای بررسی شده در این پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

دومینیکن	باغراتی	سنت فرانسیس	بانوس	کربادابرا	سنت پاراسکوا	ویلانوا دلبارا کا	کلمبا	مساحت (مترمربع)
۹۵۰	۱۰۰۰ >	۷۵۰	۳۳۰	۱۰۵۰	۹۵	۲۱۷	۴۵۰	
۲ (زیاد)	۲ (زیاد)	۲ (زیاد)	۱ (کم)	۲ (زیاد)	۱ (کم)	۱ (کم)	۲ (زیاد)	

Project de- .۱۴ /Monument care .۱۳ /Municipality .۱۲ /فولاد هوازد/هدا .۱۱ /Peter Zumthor .۱۷ /KOLUMB .۱۶ / The new user .۱۵ /velopor
Corbera .۲۱ /Vilanova de la Barca .۲۰ /Tegl Petersen .۱۹ /Woven
.۲۴ /Bagrati .۲۳ /ETFE: Ethylene tetrafluoroethylene .۲۲ /د'Ebre
.۲۶ /Mikheil Saakashvili .۲۵ /GOC: Georgian Orthodox Church
/Spiritual Road .۲۸ /Faith in Nessebar .۲۷ /Church of St. Paraskeva
David Closes .۳۱ /Church of St. Francis .۳۰ /Baños Church .۲۹



تصویر ۱۱. مقایسه میزان مداخلات و مساحت کلیساهای بررسی شده.
مأخذ: نگارندگان.

به این نکته ضروری است که اگر زمانی فرارسد که دوراهی تخریب بنا یا تغییر کاربری برای آن مطرح شود، حفظ اثر و لوله تنها در کالبد و نه عملکرد، بر تخریب آن ارجح است. با توجه به ارزش‌های مذهبی این دسته از بناهای تاریخی، جستجو پیرامون آراء و نظرات موافقان تغییر کاربری کلیساها و چگونگی تطبیق کاربری جدید در این بناهای اقدامات ضروری و الحالات تطبیقی در این مقاله بررسی شده است. اما لازم است برای موفقتی چنین پروژه‌هایی، بازتعریف کاربری با حساسیت و دقیق و پژوهش با مشارکت افراد محلی، ذی‌نفعان و متخصصان انجام شود. بدین ترتیب کاربری‌هایی که تغییرات کمتری در کالبد و روح بنای ایجاد می‌کنند، بر سایر گزینه‌ها برتری خواهند داشت. در گام بعدی یعنی پس از انتخاب کاربری جدید، چگونگی ایجاد تغییرات موردنیاز در کالبد و مبلمان، نیاز به رعایت اصول مطرح شده در منشورهای مختلف مرمت دارد. بررسی نمونه‌های موردی نشان می‌دهد استفاده از مصالح متفاوت همگون یا متضاد، بنا به شرایط پیروزه و انتخاب معمار، هر دو می‌توانند نتایج مقبولی به همراه داشته باشند. حفظ اصل حداقل مداخله در تأمین نیازهای جدید، همواره باید مدنظر قرار گیرد تا ویژگی مهم اصالت و یکپارچگی بنا بیشتر حفظ شود. با توجه به وسعت کارکردهای مذهبی بین بناهای تاریخی در کشور ایران وجود کارکردهای مرتبط و مناسب، پرداختن به این مقوله می‌تواند سبب فعال شدن و بازگشتن به مسیر حیات در صد بالایی از بناهای نیمه‌مخروبه یا سالم در این سرزمین شود.

فهرست منابع

- خنچی، پیروز و شاهتمیوری، یلدا. (۱۴۰۰). توسعه چهارچوب مفهومی استفاده مجدد سازگار در حفاظت از بنای‌های میراثی. *مطالعات معماری ایران*, ۱۰، doi: 10.22052/jias.2022.111863. ۲۵-۴۵.

• مؤذن، سجاد و ص بزنچی، شینا. (۱۴۰۲). معماری جدید در بنای‌های تاریخی. *انتشارات دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی*.

 - Ahn, Y.K. (2007). *Adaptive reuse of abandoned historic churches: building type and public perception* (Unpublished doctoral thesis of philosophy). Texas A&M University.
 - Barou, L., Oikonomopoulou, F., Bristogianni, T., Veer, F.A. & Nijssse, R. (2018). Structural glass: A new remedial tool for the consolidation of historic structures. *Heron*, 63 (1/2), 159–198.
 - Brumann, C. (2017) How to Be Authentic in the UNESCO World Heritage System: Copies, Replicas, Reconstructions, and Renovations in a Global Conservation Arena. In C. Forberg, P. Stockhammer (Eds.), *The Transformative Power of the Copy: A Transcultural and Interdisciplinary Approach*. Heidelberg Publishing. pp. 269–287.
 - Cantell, S.F. (2005). *The Adaptive Reuse of Historic Industrial Buildings: Regulation Barriers, Best Practices and Case Studies* (Preprint). Available at: <https://www.semanticscholar.org/paper/The-Adaptive-Reuse-of-Historic-Industrial-Barriers%2C-Cantell/af0d49c24cc4a7ae628b779ba104c3deeb66cf> (Accessed: 24 July 2022).
 - Ciranna, S. (2017). Building and urban space: the capability of this symbiosis or dialogue to keep the ‘Spirit’ of a place alive. In D. Fiorani, L. Kealy & S.F. Musso (Eds.), *Conservation/ Adaptation, Keeping alive the spirit of the place – Adaptive reuse of Heritage with symbolic value*. EAAE: Transactions on Architectural Education; European Association for Architectural Education. pp. 17–28.
 - Cvjetanovic, A. & Momcilovic-Petronijevic, A. (2021). Contemporary meets old in rehabilitating historic buildings. *Facta universitatis - series: Architecture and Civil Engineering*, 19 (1), 1–13. doi: 10.2298/FUACE210301002C.
 - De Medici, S., De Toro, P. & Nocca, F. (2020). Cultural Heritage and Sustainable Development: Impact Assessment of Two Adaptive Reuse Projects in Siracusa, Sicily. *Sustainability*, 12 (1), 311. doi: 10.3390/SUSTAINABILITY12010311.



- su12010311.
- Fiorani, D. (2017). Conservation and new uses in the space of the holy. In D. Fiorani, L. Kealy & S.F. Musso (Eds.), *Conservation/ Adaptation, Keeping alive the spirit of the place – Adaptive reuse of Heritage with symbolic value*. EAAE: Transactions on Architectural Education; European Association for Architectural Education, pp. 117-130.
 - Fiorani, D., Kealy, L. & Musso, S.F (2017). *Conservation/ Adaptation, Keeping alive the spirit of the place– Adaptive reuse of Heritage with symbolic valu*. EAAE: Transactions on Architectural Education; European Association for Architectural Education.
 - Harney, M. (2017). Genius Loci' Restored: The Challenge of Adaptive Reuse. In D. Fiorani, L. Kealy & S.F. Musso (Eds.), *Conservation/ Adaptation, Keeping alive the spirit of the place– Adaptive reuse of Heritage with symbolic value*. EAAE: Transactions on Architectural Education; European Association for Architectural Education. pp. 151–162.
 - ICOMOS. 1964. *International Charter for the Conservation and Restoration of Monuments and Sites (The Venice Charter 1964)*. Paris, France: ICOMOS.
 - Jia, J. J., Liu, S. F., & Yang, F. (2013). Exquisite Characteristic in Peter Zumthor's Architecture Works. *Applied Mechanics and Materials*, (357–360), 315–318. doi: 10.4028/www.scientific.net/ammm.357-360.315
 - Karagianni, F. & Tanou, S. (2021). *MoNa - Monuments in Nature: A creative coexistence*. European Center of Byzantine and Post-Byzantine Monuments.
 - Khalaf, R.W. (2016). Distinguishing new architecture from old. *The Historic Environment: Policy & Practice*, 7 (4), 321–339. doi: 10.1080/17567505.2016.1252492.
 - Lueg, R. (2011). *Houses of God... or not?! Approaches to the Adaptive Reuse of Churches in Germany and the United States* (Unpublished

- master thesis of Historic Preservation). School of Architecture, Planning and Preservation, University of Maryland, College Park. url: <http://hdl.handle.net/1903/12120>
- Mine, T. (2013). Adaptive re-use of monuments restoring religious buildings with different uses. *Journal of Cultural Heritage*, 14 (3), 14-19. doi: 10.1016/j.culher.2012.11.017
 - Mirabella Roberti, G. (2017). The ancient church of St. Augustine as 'Aula Magna' of the University of Bergamo. In D. Fiorani, L. Kealy & S.F. Musso (Eds.), *Conservation/ Adaptation, Keeping alive the spirit of the place – Adaptive reuse of Heritage with symbolic value*. EAAE: Transactions on Architectural Education; European Association for Architectural Education. pp. 191–200.
 - Pimonsathean, Y. (2002). Current issues concerning adaptive re-use in the conservation of urban cultural heritage. *RC: Rev. Cult.*, 4, 45-51.
 - Plevoets, B. & Cleempoel, K.V. (2019). *Adaptive Reuse of the Built Heritage: Concepts and Cases of an Emerging Discipline*. Routledge.
 - Szuta, A.F. & Szczepanski, J. (2020). Striking elements – A lifebelt or a fad? Searching for an effective way of adapting abandoned churches. *Frontiers of Architectural Research*, 9 (2), 277–286. doi: 10.1016/j foar.2019.12.007.
 - Vellecco, I. & Martone, A. (2021). *Deliverable 4.4 Case Studies of Cultural Heritage Adaptive Reuse in the View of Circular Economy*. CLIC.
 - Viollet-Le-Duc, E.-E. (1990). *The Foundations of Architecture: Selections from the Dictionnaire Raisonné* (K.D. Whitehead, Trans.). George Braziller. [in english]
 - Zargaran, P. (2017). Adaptive Reuse (AR) of Historical and Heritage Buildings Through Concepts of Addition and Expansion. In D. Fiorani, L. Kealy & S.F. Musso (Eds.), *Conservation/ Adaptation, Keeping alive the spirit of the place – Adaptive reuse of Heritage with symbolic value*. EAAE: Transactions on Architectural Education; European Association for Architectural Education. pp.351–358.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Revitalization School journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
ص برنجی، شینا و مؤذن، سجاد. (۱۴۰۳). استفاده مجدد تطبیقی از کلیساها تاریخی (تحلیلی بر هشت نمونه کلیسای استفاده مجددشده).

DOI: <https://doi.org/10.22034/2.2.42>
URL: <http://jors-sj.com/article-1-35-fa.html>

